



بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره ملی شهدای استان سیستان و بلوچستان - 24 / بهمن / 1396

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

تجلیل از شهدای عزیز و فداکارمان یکی از حسناتی است که بحمدالله در این برهه‌ی از زمان، در این دوره رایج شده است. اینکه در استانهای مختلف، از مجموعه‌ی شهدای هر استانی با عظمت و با جلالت یاد میشود و شهدا تعظیم میشوند؛ این بسیار کار مفید و کار لازمی است. لکن در بعضی از مراکز کشور و استانهای کشور یک خصوصیتی وجود دارد که این عمل حسنه، این عمل صالح، در آن مراکز، کأنه به طور مضاعف حسنه محسوب میشود؛ یکی از این مراکز، استان سیستان و بلوچستان است. خیلی برای بنده جذاب است که مشاهده میکنم جمعی از برجستگان قشرهای مختلف استان سیستان و بلوچستان و مسئولین محترم این استان گرد یکدیگر آمده‌اند تا برای شهدای این استان - که استان مظلومی است - بزرگداشتی را تهیه ببینند و از آنها یاد کنند و آنها را تعظیم کنند؛ برای بنده خیلی جالب است، خیلی خوب است.

جذاب بودن این قضیه برای این حقیر ناشی از چند عامل است. یک عامل، علاقه‌ی خود من به این استان است. ما یک برهه‌ای در استان سیستان و بلوچستان توقف داشتیم که مدت طولانی‌ای هم نبود، لکن خدای متعال شرایط را جوری پیش آورد که ائس ما با این استان و مردم این استان مثل یک ائس چندین ساله بشود؛ این کار خدا بود و الا ما در آنجا خیلی نماندیم. ایرانشهر به قدری برای من در آن دوره جالب بود که همان وقت وصیت کردم و گفتم اگر من در این سفر، در این مدت، از دنیا رفتم، من را حتماً در خود ایرانشهر دفن کنید، از ایرانشهر خارج نکنید. رفتم قبرستان آنجا را هم دیدم - قبرستان ایرانشهر را - [لکن] قسمت نبود. مردم بلوچ مردمی هستند که محبتشان زیاد است؛ مردم گرم، صمیمی، باصفا و البته با استعداد؛ استعداد هم در آن استان خیلی زیاد است. منتها در طول تاریخ - چه زمان قاجاریه، چه زمان پهلوی - در این سالهای طولانی، به آن منطقه و مردم آن منطقه جفا شده، بی‌اعتنائی شده. در آن وقتی که ما آنجا بودیم، با مردم ائس داشتیم و صحبت میکردیم؛ [اما حتی] یک مأمور نیمه‌کاره به شهری مثل ایرانشهر که در واقع مرکز سیاسی و جغرافیایی بلوچستان محسوب میشود، قدم نگذاشته بود؛ یا سراوان که مرکز علمی و معنوی بلوچستان محسوب میشود، [حتی] یک مأمور - یکی مثل استاندار - آنجا قدم نگذاشته بود. خب بعد از انقلاب، رؤسای جمهور رفتند، مسئولین رفتند، همه رفتند، به همه‌ی این شهرها رفتند، حتی به روستاها رفتند؛ فاصله خیلی زیاد است. در آن دوره نسبت به مردم بی‌اعتنائی شد، نسبت به مسائل بلوچستان بی‌اعتنائی شد؛ استعداد این مردم ظهور و بروز پیدا نکرد، این مجال را پیدا نکردند؛ در بخش سیستان هم همین‌جور. مردم سیستان مردمی هستند که از لحاظ گذشته‌ی تاریخی در بین همه‌ی اقوام ایرانی کم‌نظیرند. گذشته‌ی سیستان یک گذشته‌ی خیلی فوق‌العاده برجسته و درخشانی است؛ آنجا هم همین‌جور، آنجا هم مورد بی‌توجهی و بی‌اعتنائی قرار گرفته بود، [و این بی‌توجهی] با حوادث طبیعی [هم] همراه بود.

آنچه انسان در برخورد با این مردم احساس میکرد، این بود که اینها نیازمند محبتند، و خدای متعال محبت اینها را در دل ما انداخت، در دل مسئولین هم انداخت، کارهای زیادی هم برای سیستان و بلوچستان انجام گرفته. همه‌ی این کارهایی هم که حالا آقای استاندار گفتند، (۲) کارهای لازمی است، منتها من به ایشان توصیه میکنم که به این اکتفا نکنید که حالا در این جلسه به بنده بگویید؛ من که کننده‌ی این کارها نیستم، کننده‌ی این کارها مسئولین دولتی‌اند؛ چه خط‌آهن، چه آب شیرین‌کن، چه خیلی چیزهای دیگر؛ بروید دنبال کنید، بروید در دولت از مسئولین بالادست خودتان به‌طور جدی بخواهید که دنبال کنند؛ آنها هم راه‌هایش را بلدند؛ اگر راهی واقعاً داشته باشد - که



دارد- راهش را بلدند. نگاه کنید به کارهای واجب در صحن استان. مثلاً فرض کنید حالا در ایرانشهر که من یک خرده‌ای با مسائل آن بیشتر از جاهای دیگر استان آشنا بودم، «بافت بلوچ» (۳) چرا باید بخوابد و از بین برود؟ چرا؟ این آن چیزی است که من آن وقت -از اوایل- دنبال این قضیه بودم و راه افتاد و خوب شد، [اما] بعد مورد بی‌اعتنائی قرار گرفت؛ بروید اینها را حل کنید، بروید آدم پیدا کنید، بخش خصوصی پیدا کنید که بیایند متکفل بشوند و این کارها را انجام بدهند؛ آن وقت از صندوق توسعه هم -صندوق توسعه مال بخش خصوصی است- بروند استفاده بکنند، هیچ اشکالی ندارد؛ یعنی بروید دنبال کنید این مسائل را. بنابراین یکی از علل اینکه من از این اجتماع شما برای شهدا خوشوقت شدم، این است که خود من به آن استان و مردم آن استان علاقه دارم؛ علاقه‌ی بی‌منطق هم نیست، علاقه‌ای است از روی منطق، از روی استدلال؛ نه اینکه فقط حالا یک ائس مختصری با مردم داشته‌ایم؛ نه، واقعاً جای این دارد که انسان علاقه‌مند باشد.

دوم اینکه این استان مظهر شعار وحدت اسلامی ما است. چند منطقه در کشور هست -استان کردستان هست، بخش ترکمن صحرا در استان گلستان هست، و استان سیستان و بلوچستان- که در آنجا سنی و شیعی کنار هم زندگی میکنند. ما می‌خواهیم به دنیا این را تعلیم بدهیم و بگوییم که برادران مسلمان بیایند باهم همکاری کنند، در کنار هم زندگی کنند؛ نمونه‌اش اینجا در سیستان و بلوچستان. دشمن اتفاقاً روی همین نقطه تکیه کرده، روی همین نقطه انگشت گذاشته و می‌خواهد تفرقه ایجاد کند. شما وقتی که می‌آیید می‌گویید که یک بچه‌ی سنی یازده دوازده‌ساله در شلمچه برای دفاع از جمهوری اسلامی به شهادت میرسد، (۴) این بزرگ‌ترین خبر از وحدت و همدلی شیعه و سنی در سیستان و بلوچستان است؛ این چیز کوچکی نیست، این مسئله‌ی خیلی مهمی است! وقتی که فرض بفرمایید فلان مولوی سنی به خاطر دفاع از جمهوری اسلامی مورد تهاجم دشمن قرار می‌گیرد و به دست ضد انقلاب به شهادت میرسد، (۵) اینها را باید بزرگ کنید، اینها را باید برجسته کنید، نمایان کنید؛ چنین چیزهایی ما داشته‌ایم در سیستان و بلوچستان. این خیلی مهم است که شما در این استان، این وحدت حقیقی و واقعی را به نمایش بکشید، نشان بدهید به مردم؛ راهش هم همین‌هایی است که این سردار محترم بیان کردند؛ (۶) یعنی همین کارهای فرهنگی گوناگون، از تهیه‌ی کتاب و خاطره و متاعهای فرهنگی؛ چه آنچه مربوط به هنر تصویری است، چه آنچه هنر صوتی است، و امثال اینها. از همه‌ی اینها استفاده کنید، این حقیقت را مجسم کنید، مشخص کنید، که همه ببینند که در جمهوری اسلامی برادران شیعه و سنی در کنار هم در دشوارترین میدانها حضور پیدا میکنند. من چند سفر آمدم بلوچستان و آنجا -در زاهدان، در ایرانشهر، در خاش، در سراوان، در چابهار، در خود زابل و در جاهای مختلف استان- حرکت کردم، سفر کردم. وقتی که انسان وارد میشود در این شهر[ها]، احساس میکند مردم نسبت به جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه دارای صمیمیتند؛ این را انسان بوضوح در آنجا احساس میکند. خب اینها در میدان جنگ و میدان فداکاری بیشتر از همه جای دیگر خودش را نشان میدهد.

یاد شهدا را باید گرامی داشت. این کشور و این نظام همچنان نیازمند ذکر و یاد شهدای عزیز ما است؛ همه به این نیازمندیم. با نام شهدا و یاد شهدا است که افتخارات تولیدشده‌ی به‌وسیله‌ی جمهوری اسلامی، خودش را نشان میدهد. جمهوری اسلامی یک نظامی است که در طول این سالهای متمادی در مقابل نظام جاهلیت مدرن ایستادگی و مقاومت کرده است، لذا جاهلیت مدرن با همه‌ی ابزارهای خودش به دشمنی با او برخاسته؛ با ابزار سلاح نظامی، با سلاح فرهنگی، با ابزارهای نوپدید و جدید، با ابزار تحریم اقتصادی. همین جاهلیت جدید -این باطل مستقر و سراسری‌ای که در دنیا متأسفانه وجود دارد- همه نوع ابزاری را علیه جمهوری اسلامی به کار برده است. همه علیه جمهوری اسلامی قیام کردند و نتوانستند جمهوری اسلامی را شکست بدهند؛ نتوانستند [آن را] وادار به عقب‌نشینی



کنند؛ نتوانستند جمهوری اسلامی را از حرفهای خودش برگردانند که بگوید «من از این حرفم برگشتم، از این خواسته برگشتم»؛ نتوانستند. چرا نتوانستند؟ چون جمهوری اسلامی خیلی قوی است. علت قوت چیست؟ قوت ایمانها و ایستادگیها. اینجا که میرسیم، شما می‌بینید آخر این زنجیره‌ی بسیار مهم، منتهی میشود به شهدا، به جانبازان، به فداکاران، به ایثارگران؛ به اینها منتهی میشود. آن چیزی که موجب شده است این جمهوری اسلامی بحمدالله اَبَتهت خودش را در دنیا حفظ بکند و روزبه‌روز جلوه‌ی بیشتری در دنیا بکند و این‌همه توطئه و مانند اینها نتواند تأثیر بگذارد، فداکاری‌های مردم است؛ علت، این ایمانهای راسخ است که مظهر کامل و عالی آن عبارت است از شهدا. و شما دارید شهدا را تعظیم میکنید و تکریم میکنید و نامشان و یادشان را زنده میدارید. ما به این احتیاج داریم؛ جمهوری اسلامی به این تعظیم و تکریم شهدا نیازمند است. بنابراین، کارتان کار بسیار خوبی است، کار کاملاً درست و لازمی است.

و همه همکاری کنند؛ شیعه و سنی هم ندارد، عالم و جاهل ندارد؛ قشرهای مختلف، همه‌ی کسانی که میتوانند، در این قضیه همکاری کنند و یاد این عزیزان را باقی بدارند، بزرگ کنند، برجسته کنند یاد این شهدا را. من البته بعضی از شهدای معروف سیستان و بلوچستان را از نزدیک می‌شناختم، بعضی را هم شرح حال‌شان را در یادداشت‌ها و کتابها و نوشته‌ها خوانده‌ام؛ لکن درعین حال همه‌ی این شهدا و این برجسته‌ها و بخصوص این نوجوان‌ها را -نوجوان دوازده‌ساله، نوجوان چهارده‌ساله را ما نمی‌شناسیم و از حالاتشان خبر نداریم- معرفی کنید تا اینها را همه بشناسند و بدانند. ان شاءالله که خداوند همه‌ی شما را موفق بدارد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله

۱. در ابتدای این دیدار -که در چهارچوب دیدارهای دسته‌جمعی برگزار شد- حجت‌الاسلام والمسلمین عباسعلی سلیمانی (نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان سیستان و بلوچستان و امام‌جمعه‌ی زاهدان)، سیددانیال محبّی (استاندار سیستان و بلوچستان) و سردار سرتیپ دوم پاسدار حسین معروفی (فرمانده سپاه سیستان و بلوچستان) گزارشهایی ارائه کردند. این کنگره در تاریخ ۲۴/۱۱/۹۶ برگزار خواهد شد.
۲. استاندار سیستان و بلوچستان در سخنان خود، سه مشکل اصلی استان را این‌گونه برشمرده بود: مشکل کم‌آبی که میتوان آن را با برداشت از صندوق توسعه ملی و استفاده از آب شیرین‌کن حل کرد؛ احداث راه آهن چابهار - مشهد؛ توسعه‌ی اماکن آموزش و پرورش.
۳. این کارخانه بافندگی در ایرانشهر واقع است و در حال حاضر به علت برخی مشکلات، غیرفعال است.
۴. اشاره‌ی نماینده‌ی ولی‌فقیه و همچنین فرمانده سپاه استان به نوجوان شهید، سبیل اخلاقی
۵. اشاره‌ی فرمانده سپاه استان به شهید مولوی مصطفی جنگی‌زهی
۶. اشاره‌ی فرمانده سپاه استان به اقدامات فرهنگی این کنگره از قبیل: تهیه بانک اطلاعاتی جامع کنگره، تولید کتاب، تولید فیلم‌های داستانی و مستند و نماهنگ و پویانمایی، تولید سرود به گویشهای بلوچی و سیستانی و فارسی، انتشار ماهنامه و ویژه‌نامه، ساخت یادمان، برگزاری نمایشگاه، برگزاری یادواره‌ها، برگزاری کنگره‌های جنبی، برگزاری مراسم دعا، تجلیل و دیدار با خانواده‌های ایثارگران، برگزاری مراسم شب شعر و شب خاطره، روایتگری شهدای دفاع مقدس در دانشگاه‌ها و مدارس، حمایت از ایتم استان به نیابت از شهدا.